

برنامه‌ریزی آموزشی

راهنمای بهبود کیفیت در سطح واحد آموزشی

(مدرسه، دانشگاه، آموزش مجازی)

دکتر محمدرضا نیستانی
عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان



اصفهان - ۱۳۹۱

سرشناسه	:	نیستانی، محمدرضا، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	برنامه‌ریزی آموزشی: راهبردهای بهبود کیفیت در یک واحد مدرسه، واحد دانشگاه، آموزش مجازی / نوشته‌ی محمدرضا نیستانی.
وضعیت ویراست	:	[ویراست ۲]
مشخصات نشر	:	اصفهان: آموخت، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	:	۲۶۲ ص.
شابک	:	۹۷۸۶۰۰۶۲۶۵۰۱۳۲
یادداشت	:	چاپ قبلی: نوآوران سینا، ۱۳۸۹ (۳۱۱ ص)
موضوع	:	نظام‌های آموزشی -- طرح و برنامه‌ریزی
موضوع	:	برنامه‌ریزی آموزشی
رده بندی کنگره	:	LB۱۰۲۸/۳۸/۹پ۲/۱۳۹۰
رده بندی دیویی	:	۳۷۱/۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۵۱۰۶۵۲



نشر آموخته

اسفهان- خیابان مشتاق دوم - بلوار مهرآباد - کوی ۱۹ - شماره ۴۶
تلفن: ۰۳۱۱۰۲۶۱۲۳۵۲ - همراه: ۰۹۱۳۴۰۱۰۴۰۰ صندوق پستی: ۸۱۵۸۹۳۸۱۳۱
www.amokhteh.com

برنامه ریزی آموزشی

راهبردهای بهبود کیفیت در سطح واحد آموزشی

دکتر محمدرضا نیستانی

آماده سازی: انتشارات نقش مانا

مدیر تولید: حشمت الله انتخابی

ویراستار: مریم همت

حروف نگار: آرزو کیوان / صفحه آرا: مرضیه کوچک زاده

ناظر فنی چاپ: فرهاد فروزنده

طراح جلد: علیرضا محمدی

• لیتوگرافی: طلوع • چاپ: پرستو • صحافی: سپاهان
• چاپ اول: ۱۳۹۱ • تعداد: ۱۰۰۰ نسخه • قیمت: ۸۰۰۰ تومان
© حق چاپ: ۱۳۹۱، انتشارات آموخته

ISBN: 978-600-6465-01-2

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۴۶۵۰۱۰۲

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
	بخش اول کلیات
۲۱	 فصل اول: ویژگی های برنامه ریزی در سطح واحد آموزشی
۲۲	 برنامه ریزی اجرایی، خرد و غیرراهبردی
۲۵	 برنامه ریزی برای بهبود کیفیت واحد آموزشی
۲۶	 برنامه ریزی مشارکتی
۲۹	 برنامه ریزی جامع و نظام مند
۲۹	 برنامه ریزی برای واحد آموزشی فعال
۳۱	 فصل دوم: فرایند برنامه ریزی آموزشی
۳۳	 مرحله ی اول: تشکیل شورای برنامه ریزی آموزشی
۳۳	 مرحله دوم: بررسی و شناسایی نیازهای آموزشی
۳۷	 مرحله سوم: تعیین اهداف و سیاست های اجرایی
۳۸	 مرحله چهارم: اولویت بندی سیاست های اجرایی
۳۹	 مرحله پنجم: تدوین برنامه های اجرایی بهبود کیفیت
۳۹	 مرحله ششم: تدوین اسناد برنامه های آموزشی
۴۲	 مرحله هفتم: ارزیابی و اجرای برنامه های مدون
۴۲	 مرحله هشتم: ارزیابی مداوم برنامه های اجرایی

بخش دوم: برنامه‌ریزی آموزشی برای مدارس

فصل سوم: ضرورت و امکان برنامه‌ریزی در سطح مدارس.....	۴۵
فصل چهارم: مراحل برنامه‌ریزی آموزشی در سطح مدرسه.....	۵۳
تشکیل شورای برنامه‌ریزی آموزشی مدرسه.....	۵۳
تعیین زمان برای فرایند برنامه‌ریزی.....	۵۶
بررسی و ارزیابی کمی و کیفی مدرسه.....	۵۷
۱. تعیین عوامل مورد بررسی در مدرسه.....	۵۷
کیفیت مدیریت مدرسه.....	۵۸
کیفیت معلم و فرایند آموزش در کلاس درس.....	۵۹
دانش‌آموز.....	۶۰
محتوا و برنامه درسی.....	۶۱
فعالیت‌های فوق برنامه.....	۶۱
تجهیزات و امکانات.....	۶۲
۲. تعیین اجزای تشکیل‌دهنده هر عامل.....	۶۳
۳. تعیین وضعیت مطلوب (معیار) برای هر یک از اجزا.....	۶۳
۴. تدوین ابزار جمع‌آوری اطلاعات.....	۷۲
۵. مقایسه وضعیت موجود با معیارهای تدوین شده.....	۷۳
۶. شناسایی قوت‌ها، نیازها و کمبودهای آموزشی.....	۷۵
تدوین برنامه‌های عملیاتی بر اساس نتایج ارزیابی.....	۷۵
۱. تدوین اهداف آموزشی.....	۷۷
۲. تدوین سیاست‌های اجرایی مدرسه.....	۷۸
۳. اولویت‌بندی در سیاست‌های اجرایی.....	۸۶
۴. تدوین برنامه‌های عملیاتی.....	۸۸
۵. ارزیابی برنامه‌های تدوین شده پیش از اجرا.....	۹۳

۹۴	۶. تدوین سند برنامه‌های آموزشی.....
۹۴	۷. اجرا و ارزیابی مداوم.....

بخش سوم: برنامه‌ریزی در واحد دانشگاهی

۹۷	فصل پنجم: ضرورت برنامه‌ریزی در واحد دانشگاهی.....
۱۰۳	فصل ششم: برنامه‌ریزی بهبود کیفیت در واحد دانشگاهی.....
۱۰۷	فصل هفتم: ارزیابی وضعیت موجود.....
۱۰۹	ارزیابی درونی.....
۱۱۱	گام نخست: تشکیل کمیته‌های ارزیابی درونی.....
۱۱۵	گام دوم: زمان‌بندی انجام ارزیابی درونی.....
۱۱۵	گام سوم: شناسایی، بررسی و ارزیابی وضعیت موجود.....
۱۱۶	۱. تعیین عوامل و اجزای مورد ارزیابی.....
۱۱۷	۲. تدوین معیارهای مطلوب برای هر کدام از اجزا.....
۱۲۲	۳. تهیه و تدوین ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات.....
۱۲۴	۴. جمع‌آوری داده‌ها درباره وضعیت موجود.....
۱۲۶	۵. قضاوت درباره وضعیت موجود.....
۱۲۹	گام چهارم: تدوین گزارش طرح ارزیابی درونی.....
۱۳۱	فصل هشتم: برنامه‌ریزی براساس یافته‌های ارزیابی.....
۱۳۱	تدوین اهداف و سیاست‌های اجرایی.....
۱۳۴	اولویت بندی در سیاست‌های اجرایی.....
۱۳۹	تدوین برنامه‌های عملیاتی.....
۱۴۱	تدوین سند برنامه‌های آموزشی.....
۱۴۱	ارزیابی تکوینی برنامه تدوین شده.....
۱۴۱	اجرای برنامه آموزشی.....
۱۴۳	فصل نهم: برنامه‌ریزی در واحدهای دانشگاهی کشور.....

بخش چهارم: برنامه‌ریزی در واحد مجازی

۱۴۹	فصل دهم: آموزش عالی در عصر رایانه
۱۵۱	آموزش مجازی در ایران
۱۵۵	فصل یازدهم: مسائل کیفی در دانشگاه‌های مجازی ایران
۱۵۸	نکات بر نازهای تک تک فراگیران
۱۵۹	برانگیزتن دانشجویان
۱۵۹	خودداری از ارائه اضافات بار اطلاعاتی
۱۶۰	یادگیری بافتی (ایجاد محیط و بافت زندگی واقعی)
۱۶۰	افزایش و بهبود تعامل اجتماعی
۱۶۰	یادگیری فعال و پویا
۱۶۱	خوداندیشی
۱۶۳	فصل دوازدهم: برنامه‌ریزی آموزشی برای بهبود کیفیت در محیط‌های مجازی
۱۶۶	تشکیل شورای برنامه‌ریزی آموزشی در دانشگاه مجازی
۱۶۶	شناسایی و ارزیابی محیط یادگیری مجازی
۱۶۷	مراحل اجرای ارزیابی در آموزش‌های الکترونیکی
۱۶۷	گام نخست: نهادینه کردن ارزیابی
۱۶۷	گام دوم: تعیین عوامل مورد ارزیابی گروه یا واحد
۱۶۸	گام سوم: تدوین معیارهای وضع مطلوب
۱۶۸	گام چهارم: تهیه ابزارهای ارزیابی
۱۶۸	گام پنجم: جمع‌آوری اطلاعات و تعیین وضعیت موجود
۱۷۱	برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت
۱۷۲	تدوین اهداف و سیاست‌های اجرایی
۱۷۴	اولویت‌بندی سیاست‌های اجرایی
۱۷۴	تدوین برنامه‌های عملیاتی
۱۷۹	منابع

- پیوست ۱: معیارها یا ملاک‌های کیفیت آموزش در مدارس..... ۱۸۱
- پیوست ۲: نمونه‌هایی از پرسشنامه‌های بررسی کیفیت فعالیت‌های آموزشی مدرسه..... ۲۰۵
- پیوست ۳: شرح فعالیت‌های اداره برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران..... ۲۲۳
- پیوست ۴: وظایف و عملکرد مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه الزهراء..... ۲۲۵
- پیوست ۵: عوامل و معیارهای کیفیت در واحد دانشگاهی..... ۲۲۷
- پیوست ۶: معیارهای پیشنهادی دانشگاه مجازی..... ۲۴۷
- پیوست ۷: پرسشنامه‌های ارزیابی کیفیت آموزش در محیط‌های برخط..... ۲۵۳

مقدمه

با وجود کاربردهای برنامه‌ریزی آموزشی در نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا، برنامه‌ریزی در دانشگاه‌های کشور هنوز جنبه نظری دارد. دانشجویان در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، فقط مبانی نظری را می‌آموزند و از به‌کارگیری آموخته‌های خود در عمل ناتوان هستند. یادگیری اصول و مبانی کلی و نظری برنامه‌ریزی، به‌صورت غیرتحلیلی و ناکارآمد، یگانه دستاورد دانش‌آموختگان برنامه‌ریزی آموزشی بوده است. در دوران تحصیل و تدریس در دانشگاه‌های ایران، از جمله دانشگاه تهران، علامه طباطبائی و اصفهان، کمتر دانشجویی را دیده‌ام که مهارت و قابلیت لازم را در برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی در سطح واحد آموزشی داشته باشد.

نخستین دشواری در این زمینه، نبودن منابع مناسب در برنامه‌ریزی آموزشی است. اگر مرحوم یحیی فیوضات سی سال پیش، کتاب *مبانی برنامه‌ریزی آموزشی* را به رشته تحریر در نیاورده بود و چند کتاب ارزشمند دیگر در این زمینه ترجمه نشده بود، وضعیت ما در این حوزه ممکن بود از این هم بدتر باشد. این آثار را باید مقدمه‌ای برای آشنایی دانشجویان با اصول و مبانی برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش دانست.

کتاب‌های موجود در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی برگرفته از نیازهای علمی و آموزشی بشر در دهه شصت میلادی است که یونسکو برای گسترش آموزش و پرورش در سراسر جهان و ریشه‌کن نمودن بی‌سوادی طراحی و تدوین کرده است. این کتاب‌ها که هنوز هم به‌عنوان نخستین مرجع دانشجویان به حساب می‌آیند، دیگر پاسخگوی نیازهای کشور نیست. مباحث مطرح شده در این آثار کلی هستند و دانشجویان با

مطالعه آنها کمتر به راهکارهای عملی برای برنامه‌ریزی در نظام آموزش و پرورش دست می‌یابند.

الگوهای تقاضای اجتماعی، نیروی انسانی یا هزینه و فایده را باید الگوهای کمی در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی دانست که در پنج دهه گذشته براساس نیاز جامعه جهانی به توسعه و گسترش آموزش و پرورش همگانی، شکل گرفت و امروزه با توجه به فراگیر شدن آموزش و پرورش در سطوح مختلف پیش‌دبستانی، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و حتی آموزش عالی، بهره‌گیری از الگوهای کمی در بسیاری از نظام‌های آموزش و پرورش کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای نمونه هدف اساسی الگوی تقاضای اجتماعی در برنامه‌ریزی آموزشی، فراهم آوردن امکان دسترسی تمامی فراگیران به آموزش و پرورش است. این الگو در جامعه‌ای مثل ایران که بیش از ۹۹ درصد دانش‌آموزان در دور افتاده‌ترین نقاط این کشور - همچون زابل - به آموزش و پرورش همگانی دسترسی دارند، دیگر چندان کارآمد نیست. مسأله اساسی برای یک برنامه‌ریز در دهه شصت و هفتاد میلادی، یافتن الگو و روشی کمی از برنامه‌ریزی آموزشی بود تا همه دانش‌آموزان فرصت برابر برای دسترسی به آموزش و پرورش داشته باشند، در حالی که اکنون مسأله اصلی برنامه‌ریزان آموزشی یافتن الگویی است که امکان به حداکثر رساندن کیفیت آموزش را برای همه فراهم آورد. به عبارت دیگر، امروزه نیاز آموزش و پرورش از شاخص‌های کمی به مباحث کیفی و برابری و عدالت آموزشی در حوزه کیفیت آموزش تغییر یافته است.

گرایش به جمع‌آوری منابع انگلیسی و ترجمه مو به مو نوشته‌های دیگران از دشواری‌های دیگر دانش برنامه‌ریزی آموزشی در ایران است. در بیشتر این نوشته‌ها از نزدیک شدن به مباحث ویژه و کاربردی که نیازمند تجربه، تفکر و تحلیل اندیشمندانه است، غفلت شده است. برای نمونه در ایران بیش از ده کتاب در زمینه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ترجمه و تألیف شده است، اما کمتر اثری را می‌توان یافت که به طور عمیق به حوزه‌ای خاص از مبانی اجتماعی برنامه‌ریزی پرداخته باشد و اگر همه این کتاب‌ها را در کنار هم بگذاریم، مطالب ارائه شده در ۸۰ درصد آنها مشابه هستند.

همین مسأله در خصوص مبانی فلسفی برنامه‌ریزی آموزشی و حضور کتاب‌های بی‌شمار و تکراری در حوزه فلسفه آموزش و پرورش نیز صادق است. کمتر اثری را می‌توان یافت که به‌طور ویژه به تحلیل فلسفی، اجتماعی و سیاسی برنامه‌ریزی آموزشی در کشور پرداخته باشد. نتیجه این امر نیز نداشتن تحلیل و تفکر انتقادی در خصوص مسائل آموزش و پرورش کشور در میان دانش‌آموختگان و برنامه‌ریزان آموزشی است.

دانشجویان زمانی می‌توانند به برنامه‌ریزی در مسائل آموزش و پرورش بپردازند که ضمن تجربه‌آموزی، از قدرت تجزیه و تحلیل و ارزیابی روان‌شناختی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند. با وجود کتاب‌های موجود، که به مباحث کلی در برنامه‌ریزی آموزشی می‌پردازند، تربیت برنامه‌ریزان ماهر، انتقادی و تحلیلی در نظام آموزش و پرورش ناممکن است. برای اینکه دانشجویان در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی از توانایی، مهارت و قدرت تجربه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت برخوردار باشند، دانش و منابع موجود کارساز نیست.

مشکل بنیادین دیگر در رشته برنامه‌ریزی آموزشی، وجود راهبردها و شیوه‌های آموزشی غیرکارآمد، خاموش، غیرجذاب و کسل‌کننده است. یکی از مهمترین دلایل ناتوانی دانش‌آموختگان در برنامه‌ریزی در سطوح آموزش و پرورش را باید ناشی از ضعف نظام دانشگاهی در تربیت برنامه‌ریزان آموزشی دانست. دانشجویان این رشته به‌جای آموزش مهارت‌ها و توانایی‌های برنامه‌ریزی، فقط به حفظ پاره‌ای از اصول و مبانی این رشته می‌پردازند و کمتر با واقعیت‌های آموزشی درگیر می‌شوند.

آشنایی با تعاریف مبانی، اصول، سطوح، انواع و الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی جزو عمده‌ترین مباحثی است که از سوی استادان در دروس برنامه‌ریزی به دانشجویان ارائه می‌شود. اگرچه برای ورود به حوزه برنامه‌ریزی آموزشی، آشنایی با این موضوع‌ها اجتناب‌ناپذیر است و بدون آگاهی از آنها، تربیت برنامه‌ریزان آموزشی توانمند ناممکن است، اما به یاد سپاری دانش برنامه‌ریزی کمک چندانی به تربیت برنامه‌ریزان آموزشی خلاق، اندیشمند و کاردان نمی‌کند. حفظ طوطی‌وار کلیات برنامه‌ریزی آموزشی سبب شده است که دانشجویان در دو حوزه اساسی مهارت لازم را نداشته باشند: نخست

مهارت نداشتن در برنامه‌ریزی یک واحد آموزشی و دوم ناتوانی در برنامه‌ریزی راهبردی و قابلیت تجزیه و تحلیل مسائل کلان آموزش و پرورش.

در خصوص نکته نخست باید اذعان داشت که دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، به‌طور معمول از قدرت لازم برای انجام برنامه‌ریزی در سطح مدرسه، واحد دانشگاهی، واحد آموزش مجازی یا یک واحد روسای ناتوان هستند. وقتی از دانش‌آموختگان برنامه‌ریزی آموزشی پرسیده می‌شود که آیا مهارت لازم برای برنامه‌ریزی در سطح واحد آموزشی را دارند، پاسخ به‌طور معمول منفی است.

برای نمونه وقتی در کلاس‌های دانشگاهی در آغاز درس «اصول و مبانی برنامه‌ریزی آموزشی و تدوین» در سطح کارشناسی ارشد، موضوعی شبیه به مورد زیر طرح می‌شود، گفته‌ها و تحلیل‌های دانشجویان بیانگر مهارت و خبرگی اندک برای انجام برنامه‌ریزی در سطح واحد آموزشی است:

«سازمان بهزیستی کشور در حال حاضر در سراسر کشور ۲۰ مرکز آموزشی تأسیس نموده و در این مراکز بیش از ده هزار دانش‌آموز، دانشجو و کارآموز در حال کسب دانش و بینش و مهارت‌های مختلف هستند. این سازمان به‌منظور بهبود کیفیت مراکز آموزشی خویش در خراسان شمالی، قصد استخدام چند کارشناس خبره آموزشی را دارد. در مصاحبه استخدامی این سازمان برای سنجش دانش و مهارت جویندگان کار یک پرسش اساسی طرح شده است: راهکار شما برای برنامه‌ریزی به‌بود کیفیت در مراکز آموزشی ما چیست؟ اگر شما در چنین مصاحبه استخدامی شرکت کنید، چه راهکارهایی برای بهبود کیفیت آموزش پیشنهاد خواهید کرد؟»

از آنجا که دانشجویان در دوران تحصیل به ندرت درگیر برنامه‌ریزی آموزشی در عمل شده‌اند، در رویارویی با این پرسش، فقط به ارائه مطالب کلی و ایده‌های عام در زمینه برنامه‌ریزی می‌پردازند. در حقیقت آنها مانند یک فرد غیرمتخصص و بی‌تجربه به بیان حرف‌های کلی بسنده می‌کنند و به آنچه هم می‌گویند چون در عمل ندیده و تجربه نکرده‌اند، باور و اطمینان ندارند.

در زمینه برنامه‌ریزی راهبردی در نظام آموزش و پرورش نیز وضعیت به همین منوال است. کمتر دانش‌آموخته‌ای را در رشته برنامه‌ریزی آموزشی می‌توان یافت که از قدرت لازم برای تحلیل مسائل و دشواری‌های راهبردی نظام تعلیم و تربیت برخوردار باشد. برای آنکه برنامه‌ریزان آموزشی بتوانند به تحلیل و در نهایت برنامه‌ریزی راهبردی و کلان بپردازند، نیازمند تحلیل انتقادی و دانش بالا در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فلسفی و همچنین در زمینه الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی هستند.

برای نمونه تحلیل دانشجویان نسبت به مسأله «افزایش تعداد دانشجویان دختر نسبت به پسران در دانشگاه‌های کشور» بسیار ناامیدکننده است. تحلیل آنها به‌طور معمول، سطحی، کلی و کمتر برحاسته از واقعیت‌ها و اندیشه‌های جامع‌نگر، انتقادی و مبانی و اصول برنامه‌ریزی آموزشی است. همه این نکته‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای فعلی تدریس نتوانسته است دانش، بینش و مهارت لازم را به دانشجویان برای تحلیل، ارزیابی و قضاوت درباره مسائل کلان آموزشی و برنامه‌ریزی راهبردی ارائه دهد.

برای آنکه برنامه‌ریزان آموزشی بتوانند به تحلیل مسائل راهبردی در نظام تعلیم و تربیت بپردازند، اشراف به حوزه‌های فلسفی، روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است. در واقع، آشنایی عمیق و برخوردار از دیدگاه انتقادی در خصوص مکتب‌های فلسفی، نظریه‌های جامعه‌شناسی و رویکردهای جدید در علوم انسانی، برای انجام برنامه‌ریزی راهبردی الزامی است.

به علاوه برنامه‌ریزان آموزشی باید بتوانند در سطوح کلان آموزشی، یافته‌ها و تحلیل خود را در عمل پیاده کنند. به عبارت دیگر در سطح راهبردی و کلان نیز برنامه‌ریزی آموزشی نیازمند مهارت و توانایی عملی است و فقط سواد نظری کافی نخواهد بود. از این نظر، برنامه‌ریزی در تمامی سطوح بیشتر به فن شباهت دارد تا دانش محض.

همه این مسائل سبب شده است که محصول مراکز آموزش عالی کشور، افرادی ناکارآمد در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی باشد. چه بسیارند کسانی که به امید آموختن و کسب مهارت برنامه‌ریزی آموزشی، وقت ارزشمند خویش را در دانشگاه‌های کشور

صرف می‌کنند و در پایان درمی‌یابند که بجز برخی مبانی، نقد و تحلیل نامنسجم و کلی درباره آموزش و پرورش، چیزی برای عرضه ندارند.

با توجه به دشواری‌های موجود در دوره‌های برنامه‌ریزی آموزشی، دو اقدام ضروری باید انجام شود: نخست بازنگری در راهبردها و شیوه‌های یاددهی-یادگیری و دوم تدوین و تألیف مجموعه‌هایی که برنامه‌ریزی آموزشی را در عمل به دانشجویان بیاموزند.

در این راستا، مجموعه حاضر به‌منظور تهیه یک اثر کاربردی در حوزه برنامه‌ریزی در سطح واحد آموزشی تدوین شده است. این نوشتار دارای چندین ویژگی است: اول آنکه کمتر به تعاریف، اصول و مبانی برنامه‌ریزی آموزشی می‌پردازد. هدف نخست این اثر، کمک به دانشجویان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشور است، تا بتوانند در عمل به کار برنامه‌ریزی مبادرت نمایند. بنابراین کتاب حاضر برای کسانی نوشته شده که به دنبال کسب توانایی عملی در برنامه‌ریزی آموزشی هستند.

اگر کسی بخواهد برای بهبود کیفیت آموزش در مدرسه، واحد دانشگاهی یا آموزش مجازی به برنامه‌ریزی مبادرت ورزد، این اثر رهنمودهای عملی و عینی را در این زمینه فراهم می‌آورد. این مجموعه به گونه‌ای نگارش یافته است که مدیران و برنامه‌ریزان در محیط‌های آموزشی با پیروی از الگوهای طرح شده در آن بتوانند به برنامه‌ریزی آموزشی اقدام نمایند.

ویژگی دوم این مجموعه، ارائه فرایند و الگوی خاصی از برنامه‌ریزی است که می‌تواند در هر واحد آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. نگارنده تلاش کرده است تا به بررسی روندهای برنامه‌ریزی آموزشی در سه حوزه مختلف، یعنی برنامه‌ریزی در سطح مدرسه، برنامه‌ریزی در سطح واحد دانشگاهی و برنامه‌ریزی آموزشی در سطح مرکز آموزش الکترونیکی بپردازد. تمامی روندها، روش‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی آموزشی ارائه شده در این مجموعه براساس تعریف زیر از برنامه‌ریزی آموزشی بنا شده است:

«برنامه‌ریزی آموزشی عبارت است از شکل‌گیری یک گروه برنامه‌ریزی به‌منظور بررسی و شناسایی وضعیت کنونی و کیفی یک واحد آموزشی، تشخیص نقاط قوت و ضعف، محدودیت‌ها و منابع و امکانات واحد، تدوین اهداف برنامه برای رفع کمبودها

و بهبود کیفیت آموزش، تعیین سیاست‌های اجرایی برای رسیدن به اهداف، اولویت‌بندی در سیاست‌های اجرایی تدوین شده، برنامه‌ریزی برای عملیاتی کردن سیاست‌های اجرایی اولویت‌دار، اجرا و در نهایت ارزیابی برنامه‌های اجرایی».

تمامی بخش‌های این اثر بر مبنای همین تعریف از برنامه‌ریزی آموزشی توضیح و تبیین شده است. در این مجموعه کوشش شده تا براساس تعریف پیشین، چگونگی برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت آموزش در سطح مدرسه، دانشکده و مرکز یادگیری الکترونیکی به‌طور عینی و عملی تشریح شود.

فصل اول این مجموعه، «ویژگی‌های عمده برنامه‌ریزی در سطح واحد آموزشی» را معرفی می‌کند. این قسمت پیش‌درآمدی خواهد بود برای ورود به مباحث برنامه‌ریزی آموزشی در سطح مدرسه، دانشگاه و واحد مجازی. در این قسمت به تبیین گام‌های برنامه‌ریزی در سطح واحد آموزشی اشاره و هر مرحله با ذکر نمونه‌هایی توضیح داده می‌شود.

در بخش‌های بعدی این اثر به‌طور جداگانه به روند برنامه‌ریزی آموزشی در سطح مدارس، واحد دانشگاهی و واحد مجازی پرداخته می‌شود. در این بخش‌ها، نخست به بررسی جایگاه برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت هر واحد آموزشی اشاره می‌گردد. سپس، به تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده برنامه‌ریزی و در نهایت به مراحل برنامه‌ریزی آموزشی پرداخته می‌شود. در این بخش‌ها، خواننده به‌طور عملی و عینی، گام‌های برنامه‌ریزی آموزشی و شیوه‌های کاربردی آن‌ها در سطح مدرسه، واحد دانشگاهی یا مرکز الکترونیکی خواهد آموخت.

بنابراین بخش‌های عمده این مجموعه در خصوص فرایند و گام‌های برنامه‌ریزی در سطح واحد آموزشی است و در آنها به‌طور مفصل و با تمام جزئیات مراحل برنامه‌ریزی آموزشی شرح داده می‌شود. طبیعی است که اگر خوانندگان فرایندها و روندهای برنامه‌ریزی آموزشی در این زمینه‌ها را بیاموزند، به سادگی می‌توانند مراحل برنامه‌ریزی آموزشی را به حوزه‌های دیگر همچون آموزش روستایی، صنعتی، بازرگانی، محیط‌زیستی، بهداشت عمومی و مسائل اجتماعی نیز تعمیم دهند.

برای درک کامل مطالب کتاب، نگارنده در متن خوانندگان را به پیوسته‌های

مختلف که در پایان کتاب ارائه شده ارجاع می‌دهد. این پیوست‌ها از نظر کاربردی گاهی بیش از اصل مطالب کتاب اهمیت دارد و در برگیرنده عوامل و معیارهای کیفیت همراه با پرسشنامه‌هایی است که به‌طور معمول برای ارزیابی وضعیت موجود واحد آموزشی تدوین شده‌اند. به خوانندگان گرامی توصیه می‌شود که برای درک عینی مطالب ارائه شده از مطالعه پیوست‌های هر موضوع غفلت نورزند.

یزگی این اثر آن است که برگرفته از تجربه‌های ارزیابی و برنامه‌ریزی نگارنده است. برخلاف آثار دیگر نویسنده، از جمله *آموزش عالی در عصر رایانه*^۱ که ضمن واکاوی و تحلیل علمی، بر شانه اندیشه‌های دیگران نشانده شده و مملو از نتایج پژوهشی و یافته‌های دیگران است، یا *اصول و مبانی دیالوگ: روش شناخت و آموزش*^۲ و *تفکر انتقادی: مبانی شناخت و آموزش*^۳ که مبتنی بر تحلیل انتقادی و اندیشه‌های فلسفی‌اند، اثر حاضر به‌طور کامل متکی به تجربه‌های اجرایی، پژوهشی و آموزشی نگارنده است و در آن کمتر به مطالعات دیگر پژوهشگران پرداخته شده است.

این اثر را باید جلد اول از سه‌گانه‌ای دانست که نگارنده در خصوص برنامه‌ریزی آموزشی قصد دارد به نگارش درآورد. جلد دوم و سوم این مجموعه، اگر عمری باقی باشد، به توضیح، تبیین و تفهیم برنامه‌ریزی آموزش روستایی و برنامه‌ریزی راهبردی در آموزش و پرورش (به‌صورت کاربردی) اختصاص خواهند داشت. بی‌گمان این نوشتار بدون نقص نخواهد بود، امید است که خوانندگان فهم و نکته‌سنج، نویسنده این مجموعه را از کاستی‌های آن آگاه سازند.^۴

۱. محمدرضا نیستانی و محمدحسن یعقوب کیش. *آموزش عالی در عصر رایانه: مبانی برنامه‌ریزی و طراحی آموزش‌های الکترونیکی*، انتشارات نوآوران سینا، (۱۳۸۹).

۲. محمدرضا نیستانی. *اصول و مبانی دیالوگ: روش شناخت و آموزش*، نشر آموخته، ۱۳۹۰.

۳. محمدرضا نیستانی و داود امام‌وردی. *تفکر انتقادی: مبانی شناخت و آموزش*، دانشگاه اصفهان، (در دست چاپ)

۴. آدرس الکترونیکی تماس با نویسنده: